

رابطه بین سطح تحصیلات و اشتغال مادر با خودکارآمدی دانش‌آموزان پایه ششم مدارس شهر تهران در سال ۱۳۹۳

عبدالباسط محمودپور^{۱*}، مریم ولدخانی^۲، نسرين اوضاعی^۳، محمدحسن آسایش^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۲

خلاصه

مقدمه: امروزه بیش از پیش، شاهد افزایش سطح تحصیلات و اشتغال بانوان می‌باشیم. مادرانی که نقش اولیه و مهمی را در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزندان خود ایفا می‌نمایند. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه سطح تحصیلات و اشتغال مادر با خودکارآمدی دانش‌آموزان پایه ششم شهر تهران بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی جامعه پژوهش، کلیه دانش‌آموزان پایه ششم مدارس دولتی واقع در نیمه جنوبی شهر تهران بودند. نمونه‌گیری بر روی ۴۴۰ دانش‌آموز، به روش تصادفی خوشه‌ای انجام شد. با استفاده از پرسشنامه خودکارآمدی شرر و همکاران، اطلاعات جمع‌آوری گردید. اطلاعات با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس دو راهه، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: سطح تحصیلات مادر بر خودکارآمدی فرزند، تأثیر داشته و تفاوت معنی‌داری در خودکارآمدی دانش‌آموزان دارای مادران با سطح تحصیلات متفاوت، وجود دارد ($p < 0/05$). اما شاغل یا خانه‌دار بودن مادر، عامل تعیین‌کننده‌ای در خودکارآمدی به شمار نمی‌رود.

نتیجه‌گیری: عدم تأثیر شاغل یا خانه‌دار بودن مادر بر خودکارآمدی می‌تواند مربوط به عوامل مرتبط دیگری نظیر: وضعیت اقتصادی خانواده و درآمد شغلی، نوع شغل، میزان ساعات کاری، سختی شغل، علاقه و تمایل به آن شغل، سمت و درجه شغلی بستگی دارد. شایسته است برای افزایش آگاهی والدین از روش‌های تربیتی مؤثر بر خودکارآمدی، کوشش بعمل آید.

واژه‌های کلیدی: اشتغال مادر، تحصیلات مادر، خودکارآمدی، دانش‌آموزان

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

پست الکترونیک: rahabkha@yahoo.com . تلفن: ۰۹۳۸۱۶۳۹۶۰۰

۲ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳ - کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۴ - دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

مقدمه

خانواده، نخستین پایگاهی است که کودک هنجارهای اساسی رفتار را فرا گرفته و نگرش‌ها، اخلاق و روحیات خود را شکل می‌دهد [۱]. شبکه وسیعی از ساختارهای اجتماعی - روانی خانواده، می‌تواند بر باور و رفتار کودک تأثیر بگذارد. در این میان، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار و تغییرات روان‌شناختی، باور خودکارآمدی فرد است [۲-۴].

خودکارآمدی مفهومی پر اهمیت است، زیرا متغیر کلیدی در پیش‌بینی یادگیری، انتخاب و عملکرد شغلی و به طور کلی، موفقیت و سازش یافتگی می‌باشد [۵-۶]. پژوهش‌ها نشان می‌دهند افزایش خودکارآمدی روشی مؤثر برای بهبود سلامتی، افزایش بهداشت روان و پیشگیری از بسیاری مشکلات روانی - اجتماعی نظیر؛ اضطراب امتحان، فوبی‌ها، اختلالات خوردن، مسائل جنسی، سوء مصرف مواد و ... به شمار می‌آید [۶].

خودکارآمدی را می‌توان اعتقاد و داوری فرد، درباره مهارت‌ها، توانمندی‌ها [۷] و قابلیتش در اجرا یا رسیدن به یک هدف تعریف کرد [۸]. خودکارآمدی بر تعهد فرد نسبت به هدف، عملکرد و مقاومت او در رویارویی با موانع تأثیر می‌گذارد [۶]. یعنی عقاید مربوط به خودکارآمدی تعیین‌کننده این مطلب است که افراد در فعالیت‌ها تا چه مدت زمانی به تلاش‌شان ادامه می‌دهند، و در برخورد با موقعیت‌های دشوار چگونه تاب‌آوریشان را اثبات می‌کنند [۹].

زمانی که استرس داریم و یا مشکلی رخ می‌دهد، خودکارآمدی می‌تواند عملکرد خوب یا بد را پیش‌بینی کند [۱۰].

افراد با خودکارآمدی بالا پیامدهای موفقیت‌آمیز در آینده را پیش‌بینی می‌کنند و می‌توانند افکار منفی منجر به شکست را نادیده بگیرند [۶].

خودکارآمدی در میان دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دانش‌آموزانی که خودکارآمدی بالایی دارند به این اعتقاد رسیده‌اند که کارها را می‌توان به خوبی و درست انجام داد، لذا از کار و فعالیت اجتناب نمی‌کنند، تلاش خود را افزایش می‌دهند و افکار و احساسات خود را بهتر به کار می‌گیرند. اما دانش‌آموزان با خودکارآمدی پایین هنگام

رویارویی با مسائل، در توانایی‌هایشان شک دارند و احساس بی‌فایده‌گی می‌کنند [۱۰].

خودکارآمدی از نظریه شناخت اجتماعی بندورا (۱۹۹۷)، مشتق شده است. بندورا چهار منبع اطلاعاتی که موجب شکل‌گیری و یا تغییر کارآمدی می‌شود را پیشنهاد می‌دهد. این چهار منبع عبارتند از: تجربه موفقیت، تجربه جانشینی، اقناع اجتماعی و حالت فیزیولوژیکی و هیجانی فرد. بندورا معتقد است که در بین این چهار منبع، تجربه موفقیت بیشترین تأثیر را دارا می‌باشد [۱۱]. تجربه موفقیت به افراد می‌گوید که آن‌ها می‌توانند موفق شوند [۱۲]. تجربه جانشینی، اشاره به مشاهده اعمال دیگران دارد. این مطلب معمولاً الگوبرداری نامیده می‌شود. همچنین قانع کردن کلامی توسط دیگران و حالات فیزیولوژیکی و هیجانی فرد می‌تواند اثری منفی یا مثبت بر کارآمدی او داشته باشد [۱۳].

شکل‌گیری اعتقاد به خودکارآمدی از اوایل دوران کودکی و زمانی که کودک با تجارب، وظایف و شرایط مختلف برخورد می‌کند، شروع می‌شود و رشد و تکامل آن در تمام طول زندگی که افراد مهارت‌ها، تجربیات و درک جدیدی به دست می‌آورند، ادامه می‌یابد [۳].

بندورا در مورد خاستگاه خودکارآمدی اظهار می‌دارد که تجارب اولیه خودکارآمدی در خانواده متمرکز می‌باشد. در واقع شبکه وسیعی از ساختارهای اجتماعی روانی خانواده می‌تواند بر باور خودکارآمدی کودک تأثیر بگذارد [۴]. و از آنجا که روابط والد - فرزند، ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین روابط اجتماعی انسان در گستره زندگی است، کیفیت رابطه والد - فرزند به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر شایستگی، شکوفایی و بهزیستی همه افراد، مورد بحث قرار گرفته است [۱۴].

از دیگر عوامل روانی - اجتماعی خانواده می‌توان به سطح تحصیلات و اشتغال مادر اشاره کرد. این دو عامل به شکلی مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند در کلیه مراحل رشد به‌ویژه کودکی، خودکارآمدی را تحت تأثیر قرار دهد.

با افزایش سطح تحصیلات والدین، آگاهی آنان نسبت به چگونگی رفتار با کودک و توجه به نیازهای روانی - اجتماعی وی، افزایش می‌یابد [۱۵]. البته از آنجا که کودک وقت بیشتری را با مادر می‌گذراند و بیشتر نیازهای عاطفی وی

اثرات مثبت و منفی وجود دارد و نباید از متغیرهای تعدیل‌گر در این میان غافل شد.

با بررسی پیشینه نظری و پژوهشی، درمی‌یابیم که باوجود نقش پراهمیتی که خودکارآمدی در بهداشت و سلامت روان، تغییرات روان‌شناختی و رفتاری، پیشرفت و موفقیت فردی، سازش یافتگی، کاهش مشکلات اجتماعی و ... داشته و پایه و اساس فعالیت‌های انسان می‌باشد و زندگی افراد را هدایت می‌کند، پژوهش‌های اندکی پیرامون متغیرهای پیش‌بینی کننده آن، آن هم بر روی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، صورت گرفته است و نیز، گرچه پژوهش‌های بسیاری در رابطه با تأثیر سطح تحصیلات و یا اشتغال مادر بر مواردی نظیر: عزت‌نفس، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی [۲۰ و ۲۱]، مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری [۲۲]، رشد روان‌شناختی کودک [۲۳]، و ... صورت گرفته است، اما در رابطه با تأثیر این دو متغیر بر خودکارآمدی (خصوصاً در داخل کشور)، پژوهش‌چندانی در دسترس نمی‌باشد. بنابر آنچه گفته شد، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش سطح تحصیلات و اشتغال مادر و رابطه آن با خودکارآمدی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی، می‌باشد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. جامعه پژوهش، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ششم ابتدایی مدارس دولتی واقع در نیمه جنوبی شهر تهران در سال ۱۳۹۳ می‌باشد که از آن میان، ۲۲۰ دختر و ۲۲۰ پسر انتخاب شد. جامعه آماری پژوهش ۶۸۸۰ نفر که بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان ۴۴۰ نفر برآورد شده است.

با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به این صورت که چهار منطقه و از هر منطقه، دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه (جمعاً ۱۶ مدرسه) و از هر مدرسه، دو کلاس انتخاب شد. به منظور توزیع پرسشنامه‌ها، هماهنگی‌های لازم با مراکز آموزش و پرورش انجام شد. پس از ارایه اطلاعاتی راجع به هدف پژوهش، پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان (به صورت انفرادی) توزیع گردید. سپس پرسشنامه در موعد مقرر جمع‌آوری و پرسشنامه‌های ناتمام حذف گردیدند و بقیه پرسشنامه‌ها تجزیه و تحلیل شدند.

توسط مادر ارضاء می‌شود، الگوپذیری و نقش‌پذیری او از رفتارهای مادر، بیشتر است. در این میان ویژگی‌های مادر از جمله تحصیل او نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار بهنجار دارد [۱۶]. تحصیلات دانشگاهی، موجب تفکر انعطاف‌پذیرتر، آسان‌گیرتر و معقول‌تر شده و خودآگاهی، عزت‌نفس و درک هویت عمیق‌تر را بهبود می‌بخشد [۱۷].

اشتغال، نیز یکی دیگر از مواردی است که تأثیر آن بر خانواده و به ویژه فرزندان بسیار چشم‌گیر بوده و می‌تواند روی رفتارهای اجتماعی فرزندان تأثیرگذار باشد [۱۸]. اکنون باید دید آیا زنان شاغل با توجه به شرایط و مسئولیت‌های جدیدی که در خارج از خانه بر عهده گرفته‌اند، باز هم می‌توانند به‌عنوان محور عاطفی در خانواده، نیازهای فرزندان خود را برآورده نمایند؟

در زمینه اثرات مثبت و منفی اشتغال مادر بر روی فرزندان، نظرات متفاوتی مطرح شده است [۱۶ و ۱۹]. اما به هر حال، تجارب والدین خارج از خانه، بویژه در دنیای کار، در شیوه‌های پرورش کودکان‌شان انعکاس می‌یابد.

برخی معتقدند کار مادر موجب استرس و خستگی او می‌شود و این موجب می‌شود که مادر انرژی کمتری برای کودک داشته باشد و خیلی گرم با کودک برخورد نکند لذا مادر کمتر در دسترس کودک قرار می‌گیرد. نظریه دلبستگی در این رابطه می‌گوید که کار، اثری ناخوشایند بر رشد کودک خواهد گذاشت [۱۹]. برخی پژوهش‌ها حاکی از آنند که اشتغال تمام وقت مادر، بهداشت روانی خانواده را کاهش می‌دهد [۱۶ و ۱۹]. البته نوع شغل، رتبه شغلی و میزان علاقه مادر به کار هم در میزان و کیفیت مراقبت از کودکان و نوجوانان نقش دارد [۱۴].

برخی دیگر معتقدند که اشتغال مادر بر خودباوری و شیوه فرزندپروری آنها تأثیر مثبتی دارد [۱۶]. چرا که مادران شاغل، بیشتر فرزندان خود را برای انجام مسئولیت‌های شخصی، مورد تشویق و تأیید قرار می‌دهند و فرزندان آنها برای برنامه‌ریزی، انجام تکالیف و وظایف خود، از انتخاب‌های بیشتری برخوردارند و به احتمال زیاد در آینده از مسئولیت‌پذیری و استقلال بیشتری برخوردار خواهند بود [۱۴، ۱۶]. آنچه مسلم است این است که در سبک زندگی هر دو والد شاغل، یقیناً

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی دارای ۱۷ سؤال است که بر اساس مقیاس لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (نمره ۵)، درجه بندی شده است. حداکثر نمره ۸۵ و حداقل ۱۷ است. این مقیاس سه جنبه از رفتار شامل میل به آغازگری رفتار، میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکلیف و متفاوت در رویارویی با موانع را اندازه گیری می کند. این پرسشنامه از سوی براتی (۱۳۷۵)، ترجمه و اعتباریابی شده است. ضریب پایایی این آزمون با استفاده از روش دونیمه کردن گاتمن، ۰/۷۶ و از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ گزارش شده است. همچنین، همبستگی های به دست آمده با دو مقیاس عزت نفس و خودارزیابی با خودکارآمدی در جهت تائید اعتبار سازه آزمون بوده است [۲۴]. پایایی این پرسش نامه در پژوهش

حاضر، برابر ۰/۶۵ بود که با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید. بنابراین، این پرسشنامه از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بوده و در ایران، در پژوهش های بسیاری مورد استفاده پژوهشگران [۳، ۲۴]، قرار گرفته است؛ داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون تحلیل واریانس دوراهه، و آزمون تعقیبی توکی تجزیه و تحلیل شدند. داده ها به صورت "انحراف معیار \pm میانگین" گزارش شدند. سطح معنی داری در آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار میزان خودکارآمدی کل گروه نمونه را، به تفکیک سطح تحصیلات و اشتغال مادر و جنسیت دانش آموز نشان می دهد.

جدول ۱- آماره های توصیفی خودکارآمدی به تفکیک سطح تحصیلات مادر، اشتغال مادر و جنسیت دانش آموزان پایه ششم شهر

تهران در سال ۱۳۹۳

تعداد	نمره خودکارآمدی	جنسیت	تحصیلات مادر / اشتغال مادر
	انحراف معیار \pm میانگین		
۴۲	۳۵/۲۶ \pm ۸/۹۳	دختر	پایین تر از دیپلم
۵۱	۳۶/۱۴ \pm ۷/۷۲	پسر	
۹۳	۳۵/۷۴ \pm ۸/۲۵	مجموع	
۸۳	۳۵/۲۶ \pm ۸/۱۴	دختر	دیپلم
۴۳	۳۲/۷۹ \pm ۶/۸۸	پسر	
۱۲۶	۳۴/۴۲ \pm ۷/۸۰	مجموع	
۷۳	۳۳/۱۱ \pm ۷/۹۲	دختر	کارشناسی
۱۰۳	۳۲/۳۱ \pm ۶/۹۰	پسر	
۱۷۶	۳۲/۶۴ \pm ۷/۳۳	مجموع	
۲۲	۳۱/۳۱ \pm ۹/۲۳	دختر	کارشناسی ارشد و بالاتر
۲۳	۳۴/۲۶ \pm ۸/۳۰	پسر	
۴۵	۳۲/۸۲ \pm ۸/۷۹	مجموع	
۴۳	۳۲/۹۰ \pm ۹/۰۶	دختر	شاغل
۳۹	۳۳/۵۹ \pm ۸/۶۸	پسر	
۸۲	۳۳/۲۳ \pm ۸/۸۳	مجموع	
۱۷۷	۳۴/۴۵ \pm ۸/۲۲	دختر	خانه دار
۱۸۱	۳۳/۴۸ \pm ۷/۰۸	پسر	
۳۵۸	۳۳/۹۶ \pm ۷/۶۷	مجموع	
۲۲۰	۳۴/۱۵ \pm ۸/۳۹	دختر	مجموع
۲۲۰	۳۳/۵۰ \pm ۷/۳۶	پسر	
۴۴۰	۸۲/۳۳ \pm ۷/۸۹	مجموع	

همان گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین میزان خودکارآمدی در پسران دارای مادران با تحصیلات زیر دیپلم، از سایر گروه‌ها بیشتر بوده و میانگین میزان خودکارآمدی دختران دارای مادران با تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر، در مقایسه با سایر گروه‌ها از همه کمتر می‌باشد. از نظر شغل مادر، میزان خودکارآمدی در دختران مادران شاغل، از سایر

گروه‌ها کمتر بوده و میانگین میزان خودکارآمدی دختران مادران خانه‌دار در مقایسه با سایر گروه‌ها، از همه بیشتر می‌باشد. به منظور بررسی تأثیر سطح تحصیلات مادر و جنسیت بر میزان خودکارآمدی، از تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد.

جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل واریانس دو طرفه برای بررسی تأثیر بین گروهی تحصیلات مادر و جنسیت دانش آموزان پایه ششم شهر تهران در سال ۱۳۹۳

منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P value
تحصیلات مادر	۵۸۴/۸۶	۳	۱۹۴/۹۵	۳/۱۹	۰/۰۲۴
جنسیت	۱/۷۱	۱	۱/۷۱	۰/۰۲	۰/۸۶۱
تحصیلات مادر و جنسیت	۲۹۱/۹۴	۳	۹۷/۳۱	۱/۵۹	۰/۱۹۴
خطا	۲۶۳۸۵/۰۰	۴۳۲	۶۱/۰۷		
مجموع	۵۳۰۹۳۲/۰۰	۴۴۰			

نتیجه تحلیل واریانس در جدول بالا، نشان‌دهنده معنی‌دار بودن تأثیر متغیر سطح تحصیلات مادر می‌باشد، بنابراین میزان خودکارآمدی در فرزندان مادران دارای سطح تحصیلات مختلف، متفاوت است. اما تأثیر متغیر جنسیت دانش آموزان، معنی‌دار نبود و بین گروه مذکر و مؤنث در میزان

خودکارآمدی، تفاوتی وجود نداشت. اثر تعامل متغیرهای سطح تحصیلی مادر و جنسیت، معنی‌دار نمی‌باشد و لذا دو متغیر مستقل از هم هستند. به دلیل یکسان بودن واریانس گروه‌ها در این طرح، برای تعیین تفاوت در گروه‌های تحصیلی مختلف از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

جدول ۳- آزمون تعقیبی توکی تأثیر تحصیلات مادر بر خودکارآمدی فرزندان

تحصیلات مادر	تحصیلات مادر	خطای استاندارد	P value
دیپلم	دیپلم	۱/۰۶	۰/۶۰۳
پایین‌تر از دیپلم	کارشناسی	۱/۰۰	۰/۰۱۲
	ارشد و بالاتر	۱/۴۱	۰/۱۶۳
دیپلم	کارشناسی	۰/۹۱	۰/۲۱۴
	ارشد و بالاتر	۱/۳۵	۰/۶۴۲
کارشناسی	ارشد و بالاتر	۱/۳۰	۰/۹۱

یافته‌های جدول ۳، گویای این است که در قلمرو میزان خودکارآمدی، تفاوت معنی‌داری بین فرزندان که مادرشان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی است با فرزندان که مادرشان دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم است، به این صورت که فرزندان که مادرشان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی

است میانگین خودکارآمدی بیشتری نسبت به دانش آموزانی که مادرشان دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم هستند را دارا می‌باشند. تفاوت بین سایر گروه‌ها، معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین به منظور بررسی تأثیر سطح اشتغال مادر و جنسیت بر میزان خودکارآمدی دانش آموزان، از تحلیل

واریانس دو راهه استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس دو راهه برای این منظور در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس دوطرفه برای بررسی تأثیر بین گروهی اشتغال مادر و جنسیت دانش‌آموزان پایه ششم شهر تهران در سال ۱۳۹۳

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	P value
اشتغال مادر	۳۴/۶۰	۱	۳۴/۶۰	۰/۵۵	۰/۴۵
جنسیت	۲/۴۴	۱	۱/۴۴	۰/۰۲	۰/۸۷
اشتغال مادر و جنسیت	۴۵/۸۰	۱	۴۵/۸۰	۰/۷۳	۰/۳۹
خطا	۲۷۲۴۸/۲۴	۴۳۶	۶۲/۴۹		
مجموع	۵۳۰۹۳۲/۲۱	۴۴۰			

نتیجه‌ی تحلیل واریانس در جدول بالا، نشان می‌دهد اشتغال مادر، جنسیت، و تعامل آن‌ها، تأثیر معنی‌داری بر میزان خودکارآمدی فرزندان ندارد (جدول ۴).

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خودکارآمدی دانش‌آموزان دارای مادران با تحصیلات کمتر از دیپلم، بطور معنی‌داری بیشتر از خودکارآمدی دانش‌آموزان دارای مادران با تحصیلات کارشناسی است؛ که این یافته‌ها با تحقیقات گذشته همسو می‌باشد [۴، ۱۴، ۲۵] و با پژوهش چاری و کیانی مبنی بر عدم تأثیر تحصیلات مادر بر خودکارآمدی نوجوانان، ناهمخوان است [۲۰].

در این پژوهش، تعامل سطح تحصیلات مادر و جنسیت فرزندان، مستقل از هم بوده و تأثیر سطح تحصیلات مادر بر خودکارآمدی فرزندان، بستگی به جنسیت دانش‌آموزان نداشته و در هر دو جنس، همسان است.

شاید بتوان این‌گونه تبیین کرد که فرزندان مادران کم‌سواد، به علت احساس کمتری تلاش بیشتری برای رسیدن به احساس برتری انجام می‌دهند و از طرف دیگر، احتمالاً مادران کم‌سواد کمتر در حل مسائل و مشکلات تحصیلی فرزندان مداخله می‌نمایند و این دو عامل، کودک را به تلاش بیشتر و مستقل‌تر واداشته و در اثر مشاهده پیامد تلاش‌هایی که صرفاً خودش عامل آن بوده، احساس خودکارآمدی می‌نمایند. ولی مادران دارای سطح تحصیلات کارشناسی، بیشتر احتمال دارد که امکانات بیشتری را به صورت حاضر و آماده در اختیار

فرزندشان قرار دهند و این موجب می‌شود که فرزند آنها، تلاش مستقل کمتری جهت کسب دست آورده‌هایش نماید و به علت ضعف در عملکرد گذشته و نداشتن تجربیات موفق، کمتر احساس عاملیت شخصی نماید و همان‌گونه که در پیشینه نظری آمد، طبق نظر بندورا، عملکرد گذشته موفق یکی از منابع شکل‌گیری خودکارآمدی می‌باشد.

این فرضیه که اشتغال مادر بر خودکارآمدی فرزندان تأثیر دارد؛ رد شد بنابراین تفاوت معنی‌داری بین خودکارآمدی فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار مشاهده نشد.

همچنین، تعامل تأثیر اشتغال مادر و جنسیت دانش‌آموزان، بر خودکارآمدی مستقل از هم بود، بدین مفهوم که عدم تأثیر اشتغال مادر بر خودکارآمدی فرزندان، بستگی به جنس دانش‌آموزان نداشت و در هر دو جنس، همسان می‌باشد. اشتغال مادر بر ویژگی‌های روانی و به ویژه بر عزت‌نفس و نیز بر پیشرفت تحصیلی فرزندان، تأثیر معنی‌داری ندارد [۲۱]. فرزندان مادران شاغل از مکان کنترل درونی و عزت‌نفس بیشتری برخوردارند. عابدینی و همکاران نیز دریافتند که شغل مادر اثری مثبت بر کودکان دارد و آن‌ها خودکفتر، اجتماعی‌تر و کمتر وابسته‌اند [۱۶، ۲۶].

بررسی و کاوش بیشتر در پژوهش‌های انجام شده، حاکی از آن است که در خصوص تأثیر اشتغال مادر بر فرزندان، یافته‌های متفاوت و متناقضی وجود دارد. در برخی مطالعات، از اشتغال مادر به عنوان فاکتور خطر ابتلا به اختلال رفتاری یاد شده است. ایشان معتقدند که عدم حضور مادر در منزل، باعث کاهش نظارت و کنترل، ارتباط کوتاه‌تر و صرف زمان و حمایت

کمتری از جانب مادر خواهد شد. در مقابل، برخی یافته‌ها نشان می‌دهد که شانس ابتلا به اختلال رفتاری در کودکان مادران خانه‌دار، بیشتر است. ایشان معتقدند که کیفیت ارتباط با کودک، از مدت‌زمان بودن با وی، اهمیت بیشتری دارد [۱۵].

نتیجه‌گیری: می‌توان گفت صرف شاغل یا خانه‌دار بودن مادر، عامل تعیین‌کننده‌ای به شمار نمی‌رود و احتمالاً تأثیر آن به عوامل مرتبط دیگری نظیر: وضعیت اقتصادی خانواده و درآمد، نوع شغل، میزان ساعات کاری، سختی شغل، علاقه و تمایل به آن شغل و ... بستگی دارد که این موارد و موارد مرتبط دیگر، می‌تواند بر کمیت و کیفیت رابطه مادر با فرزند، تأثیرگذار باشد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود برای تعمیم‌پذیری

بیشتر، این پژوهش در جوامع دیگر و بزرگ‌تر و با متغیرهای مؤثر دیگر، تکرار شود و در مدارس، جهت افزایش آگاهی والدین، روش‌های تربیتی مؤثر بر افزایش خودکارآمدی آموزش داده شود. وجود برخی مشکلات و کمبودهای مالی، زمانی و اداری، مانع اجرای پژوهش در جامعه بزرگ‌تر شد و همین امر، تا حدی تعمیم نتایج این پژوهش را محدود می‌نماید و توصیه می‌شود در تعمیم این نتایج، جانب احتیاط رعایت شود.

تشکر و قدردانی

از کلیه ی شرکت‌کنندگانی که حاضر به همکاری در این تحقیق شدند و با مساعدت آنان این پژوهش میسر گشت کمال تشکر و قدردانی را داریم.

References

1. Touzandeh JH, Tavakolizadeh J, Lagziyan Z. The effectiveness of parenting styles on self-efficacy and mental health among PNU and Islamic Azad University humanities students in Neyshabur. *Ofoq-e Danesh Quarterly* 2011; 52: 56-64. [Persian]
2. Rostami R, Shahmohammadi K, Qaedi G, Besharat M, Akbari Z S, Nosratabadi M. The relationship between self-efficacy and emotional intelligence, and perceived social support among University of Tehran students. *Ofoq-e Danesh Quarterly* 2009; 49: 46-54. [Persian]
3. Sadeqi M. Determination of the effect of family on self-regulation and self-determination among school students in Kermanshah. BA thesis. Tehran. Allameh Tabataba'i University; 2011:66-7. [Persian]
4. Tahmasian K, Fata L. The effect of parental education on self-efficacy among adolescent girls and boys. *Journal of Family Studies* 2008; 8(1): 355-369. [Persian]
5. Winne PH. *Handbook of Educational Psychology*, Routledge publication; 2006:268.
6. Weiten LM A. *Psychology Applied To Modern Life: Adjustment In The 21st Century*, Canada, Cengage Learning publication; 2006:165-8.
7. Mahbod M, Fouladchang M. The effect of parental attachment on academic achievement with the mediation of self-efficacy. *Journal of Applied Psychology* 1391; 21(2): 88-102. [Persian]
8. Moreno R. *Educational psychology*. United States of America, John Wiley & sons publication; 2010:236-8.
9. Parsayi E. The relationship between parental paraemotional styles, self-efficacy and emotional intelligence among high school students. *Journal of Educational Psychology* 2010; 11(1) : 1-26. [Persian]
10. O'Donnell A, johnmarshall R, Smith J. *Educational Psychology: Reflection for Action*, United States of America, John Wiley & Sons publication; 2011:351-3.
11. Fraser B J. *Second International Handbook of Science Education*, New York, Springer publication; 2012:75-7.
12. Tuckman B, Monetti D. *Educational Psychology*, United State ofamerica, wadsworth Incorporated fulfillment publication; 2010:104-6.
13. Weaver Shearn N. *Sources of Efficacy for First-year Teachers*, University of Texas, San Antonio, ProQuest publication; 2007:84-7.

14. Kavosiyani Javad Kadivar P . The role of familial factors in family self-concept among high school students. *Journal of Social Welfare* 2005; 19(1): 11-91. [Persian]
15. Khoddam H, Madanlou M, Ziayi T, Keshtkar A. Behavioral disorders and some related factors among school-age children in Gorgan, Iran. *Iranian Journal of Nursing Researches* 2009; 14(1): 7-293.
16. Danesh E, Saliminia N. Murray's basic needs among 3 to 10 year old children of working and housewife mothers. *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2008; 47(1): 371-9.
17. Berk EL. *Child Development* (trans. Yahya Seyyed Mohammadi). Tehran: Arasbaran; 2012:51-4. [Persian]
18. Ajilchi B, Zoghi L. A comparative study of maternal parenting styles among housewives and working mothers in the NAJA University of Police Sciences. *Bi-quarterly of Women Police* 2008; 9(10): 78-94.
19. Lee Hyun j. Relationships between mothers' working conditions and young children's home environments and early development, ProQuest publication; 2007:301-4.
20. Hosein Chari M, Kiani R . The relationship between demographic variables and self-efficacy among students in peer social interactions. *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2007; 53(1): 184-191. [Persian]
21. Vahedi, S .The effects of female employment on the power structure of family system, self-esteem, social adjustment and academic achievement of children. Ed. Seyed Reza Salehi Amiri. *Proceedings of the Irania Conference on Future Studies of Family Issues* 2010 Sep; 13-45. Tehran: Center for Strategic Researches.
22. Shahi Y, Mirzamani S M, Afrouz G, Pourmohammad RTM, Salehi M . The effect of parents' educational level on social skills and behavioral problems among students with Down syndrome. *Journal of Mental Health Principles* 2009; 42(3): 141-148. [Persian]
23. Esmaeilinasab M. The effect of maternal employment on children's psychological development. *Journal of Teachers' Psychology and Education* 2005; 191(1): 42-43. [Persian]
24. Rahimi Parandjani S, Ghobari Bonab B . The effect of Gardner's theory- based intervention on general self-efficacy among deaf students of technical high schools in Isfahan. *Journal of Cognitive and Behavioral Sciences Research* 2011; 1(1): 73-86. [Persian]
25. Chee Christine L. *Academic Persistence of Native American undergr duates* ProQuest; 2008: 241-243.
26. Abedini Y, Zamani B E, Kheradmand A, Rajabizadeh G. Impacts of Mothers' Occupation Status and Parenting Styles on Levels of Self-Control, Addiction to Computer Games, and educational Progress of Adolescents, *Journal of Addict & Health*. 2012; 4(1): 52-63. [Persian]

The Relation of Educational level and Maternal Employment on Self-efficacy in Tehran Sixth grade Elementary Students, 2014

Mahmoodpoor A^{1*}, Valadkhani M², Ozayi N³, Asayesh M⁴

1- MA student of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: rahabkha@yahoo.com, Tel: 09381639600

2- MA student of Family Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3- MA of Elementary Training, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

4- PhD student of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 3 September 2014

Accepted: 2 November 2015

Introduction: Nowadays, we are witnessing an increase in the level of education and employment of women, and as mothers play an important role in the primary education and character formation of their children, the purpose of this study was to evaluate the effect of mothers' education a level and employment on self-efficacy of the sixth grade students in Tehran.

Materials and Methods: Four hundred and forty (220 girls and 220 boys) sixth graders from southern Tehran were chosen through cluster random method to participate in this study. Data was collected by Scherer and colleagues efficacy questionnaire (1982) and analyzed by using two-way variance analysis.

Results: The mothers' education level has an affect the children's self-efficiency, and there was a meaningful difference in self-efficacy of students with their mothers having different educational levels ($P < 0/05$). However, self-efficacy is not highly affected by mothers being housewives or employed.

Conclusion: The ineffectiveness of employment or unemployment of mothers is not the only determining factor in self – efficiency, and its effect may also depend on the family's economic situation and income, the type of job, working time, the difficulty of the job, her interest and inclination to the job, position, and job level. It is worth mentioning that in order to increase the awareness of parents of effective educational methods in self-efficiency, much effort must be made.

Keywords: Maternal employment, Maternal education, Self-efficacy, Students.

Please cite this article as follows:

Mahmoodpoor A, Valadkhani M, Ozayi N, Asayesh M. The Relation of Educational level and Maternal Employment on Self-efficacy in Tehran Sixth grade Elementary Students, 2014. *Community Health journal* 2015; 9(1): 1-9.

Funding: This study was conducted with the personal fund.

Conflict of interest: The authors declare no conflict of interest.

Ethical approval: The Ethical Committee of Allameh Tabatabai University approved the study.